

ای به درد آشنا وای من شنو	از دل خسته آوای من شنو
گرزنی نغمه ی غم شنیده ای	این زمان ناله ی نای من شنو
رنج پیدا زرخسار من نگر	راز پنهان زسیمای من شنو
از فراق مهربانی نکته سنجی نکته دانی	هم رهی همدلی هم زبانی
شرح درد جگر خوای من شنو	وای من وای من وای من شنو (۲)
دست گلچین که بادا بریده آه	چیده هفتاد و دو گل زگلستان
هر گلی زیب دامن صد چمن	هر گلی حاصل رنج باغبان
چون بهشتی گلی داده ام زدست	خون گری ای دل از دیده جاودان
شمع جمع عارفان کو	خار چشم دشمنان کو
یارب آن رهرو پرتوان کو	
هر که رابنگرم یاد او کند	رسم او راه او جستجو کند (۲)
نقش این خون موج آفرین نگر	خائنان را به ذلت قرین نگر
غرقه در ورطه ی مرگ واحتضار	ناکشین قاسطین مارقین نگر
هر که زد شعله در آشیان ما	داغ این فتنه اش بر جبین نگر
ای بهشتی ای دلاور	ای شهید راه داور
یار حق یار ما یار رهبر	
در جنان شورو غوغای من شنو	بانگ پیروزی از نای من شنو (۲)
ای به درد آشنا وای من شنو	از دل خسته آوای من شنو
گرزنی نغمه ی غم شنیده ای	این زمان ناله ی نای من شنو
رنج پیدا زرخسار من نگر	راز پنهان زسیمای من شنو
از فراق مهربانی نکته سنجی نکته دانی	هم رهی هم دلی هم زبانی
شرح درد جگر خوای من شنو	وای من وای من وای من شنو (۲)